

## واژه‌ای شایان دقت در چهار مقاله

دکتر عبدالرزب عرفان\*

ترجمه دکتر شریف حسین قاسمی\*\*

چکیده: چهار مقاله، تألیف نظامی عروضی سمرقندی، از جمله آثاری است که از زمان تألیف تا به امروز مورد توجه ارباب نقد و نظر بوده است. در این مقاله پس از نظری کوتاه به این کتاب، واژه انصاف در حکایت نهم مقاله اول مورد توجه قرار گرفته است. این واژه در چهار نسخه چهار مقاله که نویسنده بررسی کرده و همچنین در دو ترجمه از این کتاب به همین رسم الخط آمده و برخلاف واژه‌ها و کلمات دیگر که گاهی به صورت‌های متفاوت ضبط شده، مصححان و مترجمان در ضبط این کلمه اجماع نظر دارند.

کلیدواژه: چهارمقاله، نظامی عروضی، واژه انصاف، مصححان.

بی‌شک مجمع‌التوادر، معروف به چهار مقاله، تألیف نظامی عروضی سمرقندی، اثری فوق‌العاده برجسته است. چهارمقاله از زمانی که به نگارش درآمد (۵۵۱-۵۵۲ ه.ق) تا امروز مورد تحسین و تقدیر ارباب نقد و نظر بوده و امروز هم از مقبولیت برخوردار است. علامه قزوینی نظر به «ایجاز لفظ و اشباع معنی و سلاست کلام» آن را «سرمشق

---

\* استاد زبان فارسی دانشگاه ناگپور. این مقاله را به زبان اردو نوشته و در مجموعه مقالاتش تحت عنوان عرفان، در ناگپور به چاپ رسیده است.

\*\* استاد زبان فارسی دانشگاه دهلی.

انشا و نمونه چیزنویسی هر ایرانی جدید» می‌خواند.<sup>۱</sup> دکتر رضازاده شفق آن را از لحاظ «سلاست انشا، طرز سخن و اسلوب عبارت» از جمله آثار ردیف اول فارسی به شمار می‌آورد.<sup>۲</sup> به قول دکتر ذبیح‌الله صفا شیوه انشای نظامی عروضی «قابل توجه بسیار» و در تمام موارد جزیل و استوار است و از حشو و زواید مبرّا و فصیح.<sup>۳</sup> ملک‌الشعرای بهار هم چهارمقاله را نظر به «سادگی عبارت، سلاست کلام، ایجاز و اشباع معنی» از جمله کتب قدیم درجه اول فارسی می‌خواند.<sup>۴</sup>

علاوه بر این مطالعه خود چهارمقاله در حقیقت آرا و نظرهای این پژوهشگران و مورخان و منتقدان به نام زبان و ادب فارسی را به اثبات می‌رساند. مقاله اول در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل و آن چه تعلق بدین دارد» از هر دو لحاظ موضوع و مواد و سبک و شیوه، مهارت و قدرت غیرعادی نظامی عروضی در فنّ انشا و شرایط و معاییر آن را نشان می‌دهد. نویسنده در این مقاله، ضمن اظهار نظر درباره فنّ انشا، ژرف‌بینی خود را به نحو خوبی نشان داده است. فطانت فن‌شناسی او یک یکی واژه‌ها را در ترازوی شعور و وجدان سنجیده، چنان به مهارت جزو عبارت ساخته است که این کتاب اول تا آخر به شکل بهترین نمونه انشا بروز کرده و شایسته پیروی است. افزون بر این، در این کتاب چنین موارد، به قول دکتر معین، نادر است که در آنجا در مورد کاربرد الفاظ و یا محاورات غرابیت به نظر آید، ولی در بعضی اشتباهات «تصرف ناسخان» را نمی‌توان نادیده گرفت.

در این مقاله مقصود این است که واژه‌ای نشان داده شود که در عبارت حکایت نهم مقاله اول بی‌محل و بی‌مورد به نظر می‌آید. تا آنجا که راقم حروف اطلاع دارد، کسی از منتقدان فنّ و صاحبان قلم در این مورد اظهار نظر نکرده است. منظورم واژه «انصاف» است که در جمله آخر حکایت نهم مقاله اول آمده است. این واژه علاوه بر همه نسخه‌های چهارمقاله که از نظر اینجانب گذشته‌اند، در نسخه‌هایی که علامه محمد قزوینی و دکتر محمد معین تصحیح نموده‌اند، هم وجود دارد.

۱. نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۲۷): ص ج - د.  
 ۲. تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۱۰.  
 ۳. صفا، ذبیح‌الله: ج ۲، ص ۹۶۳.  
 ۴. ملک‌الشعرای بهار: ج ۲، ص ۲۹۸.

قبل از این که به اصل موضوع پردازیم، باید توضیح دهیم که واژه‌های که قرار است درباره آن اظهار نظر کنم، لازم نیست که از قلم نظامی عروضی چکیده باشد. از نظامی عروضی که در فنّ انشا مهارت شایان و ذهن بیدار داشت، انتظار نمی‌رود که اینگونه لغزش سر زده باشد. احتمال غالب این است که دوران استنساخ چهارمقاله، قبل از سال کتابت (۸۴۵.ق)<sup>۱</sup> قدیمی‌ترین نسخه معلوم آن (و شاید در زمان نزدیک به دوره حیات نظامی عروضی) کاتبی این گونه تصرف کرد و خوشنویسان بعدی که چهارمقاله را از این نسخه یا قبل از نقل آن و یا نقل‌های بعدی آن (علی‌هذا القیاس) استنساخ کردند، آن را به عینه نقل کرده‌اند.

این گمان از این امر هم تقویت می‌شود که علامه قزوینی بعضی لغات را، با وجود اتفاق قرائت آنها در نسخ خطی چهارمقاله که در زمان تصحیح آن مدنظر ایشان بوده‌اند، درست تلقی نکرده‌اند. مثال‌های این مورد بعداً داده می‌شود.

چنان که قبلاً اشاره شد، واژه «انصاف» در عبارت حکایت نهم چهارمقاله غرابت ایجاد می‌کند. برای بررسی مفصل‌تر، آن حکایت را اینجا به طور کامل نقل می‌کنیم:

«غایت فصاحت قرآن ایجاز لفظ و اعجاز معنی است و هرچه فصحا و بلغا را امثال این تضمین افتاده است، تا به درجه‌ایست که دهشت همی آرد و عاقل و بالغ خویش همی بگردد و آن دلیلی واضح است و حجّتی قاطع بر آن که این کلام از مجاری نفس هیچ مخلوق نرفته است و از هیچ کام و زبانی حادث نشده است و رقم قدم بر ناصیه اشارات و عبارات او مثبت است. آورده‌اند که یکی از اهل اسلام پیش ولید بن المغیره این آیت همی خواند:

قِيلَ يَا أَرْضُ أَبْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءِ اقْلَعِي وَ غِيضِ الْمَاءِ وَ قَضِي الْأَمْرِ وَ اسْتَوْتِ عَلَي الْجُودِي. فَقَالَ الْوَلِيدُ بْنُ الْمَغِيرَةِ: وَاللَّهِ إِنَّ عَلَيْهِ لَلطَّلَاوَةُ وَ إِنَّ لَهُ لَعَلَاوَةُ وَ إِنَّ أَعْلَاهُ لَشَمْرُ وَ أَنْ اسْفَلُهُ لَمُعْرِقُ وَ مَا هُوَ قَوْلُ الْبِشْرِ. چُونِ دَشْمَنَانِ دَرِ فَصَاحَتِ قُرْآنِ وَ اعْجَازِ او دَرِ مِيَادِينِ انصاف بدین مقام رسیدند، دوستان بنگر تا خود به کجا برسند؟ والسلام».

این حکایت از چهارمقاله به تصحیح علامه قزوینی (چاپ لیدن ۱۳۲۷ / ۱۹۰۹م) نقل

۱. نظامی عروضی سمرقندی: به تصحیح دکتر معتمد معین، (مقدمه) ص ۷۴ و ۷۵ (حاشیه ۳).

شده است.<sup>۱</sup> قزوینی در تصحیح و ترتیب متن آن، از سه نسخه خطی و یک نسخه چاپی چهارمقاله استفاده کرده‌اند. یکی از نسخ خطی از کتابخانه عاشر آفندی اسلامبول (قسطنطنیه) است که در سال ۸۳۵ هجری استنساخ شده است و غالب به یقین قدیمی‌ترین نسخه معلوم چهارمقاله است و به قول علامه قزوینی «به غایت صحیح و مضبوط» است.<sup>۲</sup>

هم چنین این نسخه در مقابل نسخ دیگر از لحاظ قرائت اختلافات زیادی دارد. نظر به قدمت، صحت و استواری این نسخه، علامه قزوینی آن را اساس تصحیح و ترتیب چهارمقاله قرار داده‌اند و آن را در حواشی با «ق» مشخص نموده‌اند. دو نسخه دیگر در موزه بریتانیای لندن نگهداری می‌شود. قدیم‌تر از اینها (شماره 3507 or) در سال ۱۰۱۷ هجری ق. (در پاورقی علامه قزوینی به علامت '۱' مشخص است) و دیگری 'ب' در پاورقی‌ها (شماره 2955 or) در سال ۱۲۷۴ استنساخ شده است. نسخه چاپی که پیش نظر علامه بوده، در طهران در ۱۳۰۵ به چاپ رسیده و علامه قزوینی به این مناسبت این نسخه را در پاورقی 'ط' خوانده‌اند. در نسخه چاپی علامه قزوینی، عدم اختلاف در قرائت «انصاف» دیده می‌شود، یعنی در همه این نسخه‌ها «انصاف» آمده است.

دکتر محمد معین در تصحیح مجدد چهارمقاله، چاپ مذکور علامه قزوینی را پیش نظر داشتند و علاوه بر آن نسخه شخصی آقای حاج محمد آقا نخجوانی (سال کتابت ۱۳۰۵ هجری ق.) و دستورالکاتب از محمد هندوشاه که در آن مقاله اول چهارمقاله با قدری تصرف نقل شده است، پیش نظر دکتر معین بوده‌اند. دکتر معین اختلافات قرائت در چاپ قزوینی را در حاشیه اول چاپ خود نقل کرده و اضافه و ترمیم از طرف خود را با علامت «م» مشخص ساخته‌اند. ولی ایشان هم درباره واژه «انصاف»، اختلاف قرائتی را نشان نداده‌اند. بنابراین می‌توان استنباط کرد که در نسخ مورد استفاده دکتر معین (یعنی نسخه آقای نخجوانی و دستورالکاتب) که در تصحیح مجدد چهارمقاله از آنها

۱. نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۲۷): ص ۳۲، (این حکایت در چاپ دکتر محمد معین بدون تغییر لفظی نقل شده است، صص ۳۸-۳۹).

۲. نظامی عروضی سمرقندی (به تصحیح دکتر محمد معین)، صص هفتاد و هفت، هشتاد و چهار.

استفاده کرده‌اند، در حکایت نامبرده همان واژه 'انصاف' آمده است.

از بیان این تفصیل منظور این است که نشان داده شود که همه این نسخه‌ها که در پیش نظر مصححین محترم و دانشمند چهارمقاله می‌بوده‌اند، در واژه «انصاف» در این حکایت اجماع دارند. همچنین سکوت اینها در مورد کاربرد این واژه در عبارت این حکایت حاکی است که اینان این واژه را درست تلقی می‌کنند.

راقم این سطور تاکنون هر نسخه چهارمقاله را که دیده، مؤید واژه 'انصاف' در این مورد است. مثلاً:

۱- چهارمقاله، به تصحیح و مقدمه دکتر سید رغیب حسین، چاپ رام نراین لال بین مادهو، اله آباد، ۱۹۸۰.

۲- چاپ سنگی در هند بدون اسم چاپخانه.

۳- نسخه‌ای که از روی نسخه محمد قزوینی (بدون تعلیقات و حواشی) چاپ گردیده است.

علاوه براین، دو ترجمه چهارمقاله هم پیش نظر این جانب می‌بوده‌اند: یکی ترجمه چهارمقاله به اردو از پروفیسور عنذلیب شادانی و دیگری به انگلیسی از دکتر ای. بی، براون - از این ترجمه‌ها هم بر می‌آید که اینها از نسخه‌های خطی و یا چاپی چهارمقاله ترجمه شده‌اند که در این مورد خاص واژه «انصاف» داشته‌اند.<sup>۱</sup>

در این ضمن باید به این نکته توجه خاصی مبذول داشت که علامه قزوینی و دکتر محمد معین از نسخه‌های خطی و یا چاپی چهارمقاله که در تصحیح آن استفاده کرده‌اند، واژه و یا واژه‌هایی که قبل از 'انصاف' آمده‌اند، تفاوت زیادی دارند، چنانکه در نسخه ق، که قدیم‌ترین نسخه معلوم چهارمقاله است، و به قول علامه قزوینی «به غایت صحیح و مضبوط» است، میان دید و 'انصاف' آمده است. به عکس آن در هر دو نسخه خطی چهارمقاله مضبوط در موزه بریتانیا (الف و ب) و در نسخه چاپی تهران، 'میادین دین و انصاف' کتابت شده است. آ این هر دو قرائت مورد نظر برای علامه قزوینی و دکتر محمد

۱. نظامی عروضی سمرقندی (۱۹۳۰): ص ۴۸؛ همان (۱۸۹۹): Equity دارد به معنی انصاف.

۲. نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۲۷): ص ۳۳۰ (در چاپ دکتر معین قرائت دوم 'میادین دین انصاف' ←

معین بودند. لذا اولی بنا بر اعتماد و به راهنمایی شعور و وجدان خود، 'میادین انصاف' را اصلح دانسته و آن را در قرار داده است و دومی همین قرائت را پذیرفته و مهر تصدیق بر آن زده و قرائت‌های مختلف در نسخ دیگر را در پاورقی آورده است.

درباره واژه 'میادین' باید عرض شود که این حتماً اصح و بر قرائت‌های دیگر مرجح است، ولی مصححان فاضل به غرابتی که در واژه 'انصاف' دیده می‌شود، توجه نفرمودند و در ضمن تنها به اتفاق نسخ در این مورد اکتفا کردند، در حالی که در چاپ‌های علامه قزوینی و دکتر محمد معین مواردی چند دیده می‌شود که آنان بعضی الفاظ را، با وجود توافق در نسخه‌های خطی چهارمقاله در مورد آن واژه‌ها قبول نکرده و آنها را در متن جانداده و آنها را به مناسب‌ترین واژه تغییر داده‌اند.<sup>۱</sup> به طور مثال در حکایت موردنظر، همه نسخه‌ها بر «ولید بن مغیره» اجماع دارند.<sup>۲</sup> ولی این دو مصحح 'الولید بن المغیره' را انساب<sup>۳</sup> و اصح قرار دادند.<sup>۴</sup> در بعضی مقالات دیگر قرائت محل نظر را در متن نگاه داشته و قرائت درست را در پاورقی ثبت کرده‌اند.

مثلاً در التکبر مع المتکبر صدقه<sup>۴</sup> درباره لفظ صدقه نوشته‌اند:

صدقه: کذا فی جمیع النسخ والمعروف حسنه.<sup>۵</sup>

هم چنین در جمله اول و دهمین حکایت مقاله اول «پیش از این در میان ملوک عصر و جبابره روزگار پیش... الخ» محمد معین درباره واژه پیش، که در آخر جمله آمده، این حاشیه را نوشته‌اند:

(پیش) زائد و رکیک به نظر می‌رسد و احتمال دارد که با تصرف ناسخین در عبارت

دخیل شده باشد...<sup>۶</sup>

ولی در این جمله «و چون شعر بدین درجه نباشد، تأثیر او را اثر نبود» (مقاله دوم)، در ضمن لفظ 'تأثیر' این احتمال را نادیده گرفتند و در این باره در پانوشت آوردند:

→ بدون او عطف آمده است، ص ۳۹، حاشیه ۸.

۱. نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۲۷): حاشیه ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۲۳. ۴. همان، ص ۱۳. ۵. همان، حاشیه، ص ۳۲۸.

۶. همان (به تصحیح محمد معین): ص ۳۹ (حاشیه اول، شماره ۱۱).

تأثیر چگونگی بی‌اثر باشد (مگر به توجیه متکلف).<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه با وجود این ژرف‌بینی و توجه فوق‌العاده در تصحیح متن چهارمقاله، بی‌مورد بودن لفظ 'انصاف' در حکایت مزبور و جنبه غرابت و ابهام که بنابر آن به وجود آمده، از چشم این هردو مصحح فاضل پوشیده مانده است. بررسی بالاستیعاب این حکایت نشان می‌دهد که نظامی عروضی در اینجا ایجاز لفظ و اعجاز معنی قرآن را انصاف کرده است. خالد بن مغیره هم در آخر حکایت به این عبارت «والله انّ عليه لطلاوة و ان له لعلاه و ان اعلاه لشمس و ان اسفله لمعذق و ماهو قول البشر.»

(ترجمه: سوگند به خدای، آن را (کلام او را) حسن و بهجت است و او را شیرینی است. فراسوی او میوه‌دار است و فرسوی وی پرشکوفه (پرشاخ، پربار) و آن گفتار آدمی نیست).

فصاحت قرآن و اعجاز بیان آنرا انصاف کرده است (نه انصاف). بنابراین ارزیابی قول ولید بن مغیره که در اصل ستایش و تمجید قرآن است، مقتضی انصاف است، نه که انصاف.

ارباب نقد و نظر مستحضر هستند که واژه انصاف در مواردی فصیح است که در آن یا شیوه عدل کسی مورد ستایش است یا امری یا مسئله‌ای اخلاقی را مورد شور و بحث قرار می‌دهند. امکان اختلاف در فصاحت و اعجاز بیان کلام الله مجید اصلاً وجود ندارد. تاریخ اسلام شاهد این حقیقت است که آن فصحای مکه که از سعادت بزرگ قبول اسلام محروم ماندند، با وجود تفاخر خود بر زبان‌دانی، به فصاحت و معجز بیانی قرآن اعتراف می‌کردند. واژه انصاف که مورد بحث و اختلاف در عبارت مذکور است، در سه مورد دیگر هم در چهارمقاله به کار رفته است. مثلاً:

۱- عدل و انصاف (چاپ محمد معین، ص ۲).

۲- انصاف از نعیم جوانی بستند و از عنفوان شیب بدادند (همان، ص ۵۰).

۳- اصحاب انصاف دانند که (همان، ص ۷۲).

در این سه مورد کاربرد انصاف بر محل و فصیح است و غرابتی ندارد.

۱. نظامی عروضی سمرقندی: ص ۴۷ (حاشیه دوم، شماره ۱۱).

راقم حروف برای تأیید موقف خود می‌خواهد دربارهٔ سال تصنیف چهارمقاله (۵۵۱-۵۵۲ ه.ق) و قدیمی‌ترین نسخهٔ خطی دستیاب آن که در سال ۸۳۵ ه.ق استنساخ شده است، عرض کند که فاصلهٔ زمانی بین این دو، ۲۸۳ سال می‌باشد. نمی‌دانیم طی این زمان طولانی، کتابی مطلوب مثل چهارمقاله، چند مرتبه استنساخ شده و نمی‌دانیم که چهره‌های چند واژه بنابر سهو کاتبان دگرگون شده باشد. می‌توانیم دربارهٔ این حقیقت از اختلافات زیاد قرائت واژه‌ها در متن چهارمقاله که در پانوشته‌های آن دیده می‌شود، اطلاعاتی به دست آوریم. چون میادین بنابر تصرّف کاتبان به شکل «میان دین و...» و میادین دین و...» درآمده است و «واحدة بواحدة» شکل «واحد بواحد» را گرفته است، خارج از امکان نیست که اَنصاف با افتادگی فقط نقطه‌ای اَنصاف نشده باشد. در جملهٔ آخر حکایت نامبرده که حاکی از بررسی نظامی عروضی دربارهٔ تقدیر از کلمات ستایشی ولید بن مغیره از آیهٔ قیل یا ارض ابلعی... الخ آمده است، اگر به جای «میادین اَنصاف»، «میادین اَنصاف» خوانده شود، نه فقط این که کیفیت ابهام‌آمیز این جمله از بین می‌رود، بلکه واژهٔ اَنصاف، مفهوم این جمله را کاملاً آشکار می‌سازد و این جمله را با کُل حکایت هم‌آهنگ می‌کند.

## کتابشناسی

- تاریخ ادبیات ایران، ترجمهٔ اردو از مبارزالدین رفعت، دهلی، ۱۹۸۵ م.  
 - صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲): تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوس، جلد ۲.  
 - ملک‌الشعرای بهار (۱۳۳۷): سبک‌شناسی، تهران، امیرکبیر، ۲ جلد.  
 - نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۲۷ ه.ق / ۱۹۰۹ م): چهارمقاله، به تصحیح محمد قزوینی، چاپ لیدن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۷ ه.ق / ۱۹۰۹ م): چهارمقاله، به تصحیح دکتر محمد معین.

\_\_\_\_\_ (۱۹۳۰ م): چهارمقاله، ترجمهٔ شادانی، لاهور.

\_\_\_\_\_ (۱۸۹۹ م): چهارمقاله، ترجمهٔ ادوارد براون.